







« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه یازدهم – دور نهم – ۵ دی ۱۴۰۰

پرسش ۱:



« مسح » یعنی چه؟

« **مسح** » یعنی:

کشیدن دست بر « مساحتی » از چیزی

برای « **إحياء** » و « **متبرک** » کردن آن.

(در « تیمم », « مسح » جای « غسل » را می گیرد،)

(و برای « تطهیر » کافیست.)

مؤمنین با هر بار « **وضو** » گرفتن،

باید « **سر** و **پای** »

« خواب رفته و تعطیل و سکته زده » خود را

چنان مؤمنانه و با « **توجه** »، « **مسح** » کنند که

آنها از هر نظر، « **زنده** و **احیاء** و **فعال** » شوند.

یک نکته:



« آیه ۷۲ سورة أحزاب » فرمود:

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ

فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

و « حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ » إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.

ما آن امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس آنها آن را نپذیرفتند
و از پذیرفتن آن ترسیدند حال آنکه « انسان » آنرا پذیرفت زیرا ظلوم جهول بود.

پرسش ۲:



« انسان » کیست؟

« انسان، » **تنها** « مخلوقی است که

با هر جلوه‌ای از « **وجود** »،

« **اُنس** می‌گیرد »،

و تمام مخلوقات هم با او « **اُنس** » می‌گیرند.

« شرافت و امتیازِ **انسان** »،

به « **انسانیت** » بسیار ارزشمند اوست که

پشتِ « **ظاهر** و **قیافه** و **لباس** » او

« پنهان » است.

پرسش ۳:



دلیل « عظمتِ » انسان چیست؟

« **انسان** »، چنان « عظمتی » دارد که همه چیزِ آفرینش،

« **فقط** » برای « **او** » پدید آمده است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

اوست که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید، سپس به بالای آن پرداخت،

و هفت آسمان را استوار ساخت و او به هر چیزی داناست (بقره/۲۹)

و انسان «**تنها**» مخلوقی است که

قابلیت و لیاقت و صلاحیتِ «**خلافت**» دارد:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ؛

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... (بقره/۳۰)

وقتی خدایت به ملائکه گفت من جانشینی در زمین قرار دادم

پرسش ۴:



معنی درست و غلط

« خلافت » چیست؟

معنی « **درست** خلافت » اینست که:

خلیفه فقط « **مُجبری** **إِرادَةُ** **خدا** » باشد.

و معنی « **غلط** خلافت » اینست که:

فرد، « **خود** » را « **جای** **خدا** » بپندارد.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

أَوْ كَذَبَ بآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (أنعام/ ۲۱)

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده همانا ستمکاران رستگار نمی شوند

وَمَنْ أَظْلَمُ... أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ...

الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَ كُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (أنعام/ ۹۳)

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ می بندد

یا می گوید به من وحی شده در حالی که چیزی به او وحی نشده²²

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ

هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ

لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

(نحل/۱۱۶)

و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد مگویید این حلال است و آن حرام
تا بر خدا دروغ بندید زیرا آنهایی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند

پرسشی ۵:



« تصوّر » ملائکہ چه بود؟

ظاهراً «**تصوّر**» ملائکه از «**خلافت**» چنین بود:

.... قَالُوا: أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟

وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ

قَالَ: إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره/۳۰)

... گفتند: آیا او را در زمین می‌گماری که در آن فساد می‌کند و خونها را می‌ریزد؟

در حالیکه ما با حمد تسبیح می‌کنیم و به پاکی می‌ستائیمت. گفت چیزی را میدانم که نمی‌دانید.

پرسش ۶:



« مشکل » ملائکہ چه بود؟

ظاهراً آنها هم مثل «**اکثر** مؤمنانِ جهان» (و...؟)،

«بندگی» را فقط «**عبادتِ فردی**» می‌دانستند.

(همان تصوّر غلطی که «**ابلیس**» هم به آن گرفتار بود.)

در حالی که نشانهٔ «**بندگیِ صادقانه**»،

قبولِ «**وساطت**» و «**ولایت**» است.

پرستی ۷:



« خلافت » یعنی چہ؟

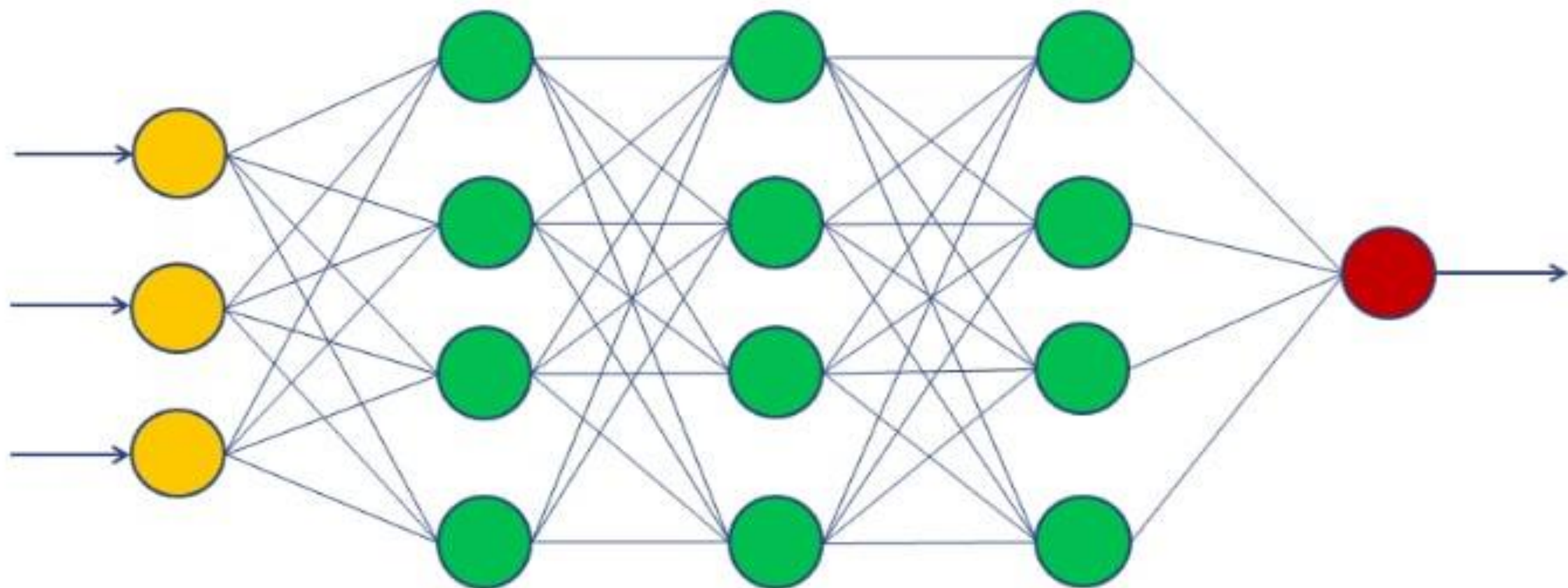
« **خلافت** » یعنی: قبولِ « **وساطت** و **ولایت** »:

یعنی: در « **هیچ** لحظه‌ای از زندگی »،

خود را « **جدا** » از « **شبكةٔ جهانی** »،

و « **جدا** » از سایر « **مخلوقات** » ندیدن.

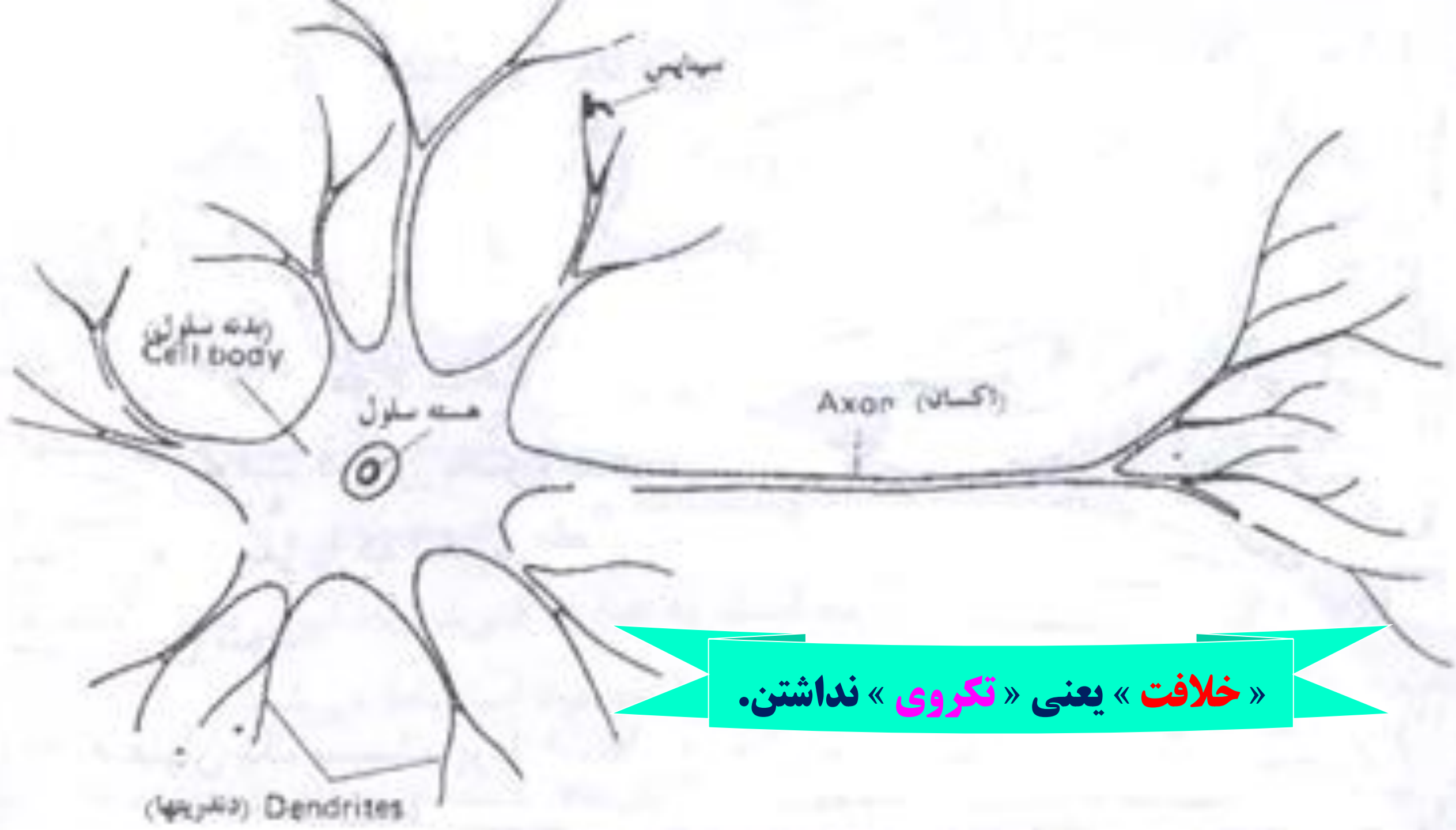
یعنی: « **همه** » در یک « **نماز جماعت** »:



Input Layer
(لایه ورودی)

Hidden Layer
(لایه های مخفی)

Output Layer
(لایه خروجی)



« خلافت » یعنی « تکروی » نداشتن.

پس « **خلافت** » یعنی:

« **ایمان** » به « **خدا** »:

و « **تسلیم** » دستورات او بودن:

پرستی ۸:



« شرط » قبولی ایمان چیست؟

« شرط قبولی ایمان » عبور از « فتنه » است:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا

أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟

(عنکبوت/۲)

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند: ایمان آوردیم رها می‌شوند،

و موردِ « آزمایش ویژه » قرار نمی‌گیرند؟

پریشانی ۹:



« فتنه » چیست؟

« **فتنه** »، هر حواس پرت کنی است که عامل:

« **اختلال** و **اضطراب** در **مسیر زندگی** » است،

(مانند: « مه و گرد و غبار و طوفان و بوران شدید »)

(و « اموال و اولاد و حوادث و مشکلات و مصائب »،)

که فرد را در اطاعت از « **ولی** » خود « **مُردّد** »،

و از « **شِبْکَةُ وَسَاطَت** » منحرف و خارج می کند.

« فتنه »، « عامل » تفکیک
مؤمنین صادق و کاذب است:

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا

وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (عنكبوت ۳)

و قطعاً آنهاى را كه قبل از اينها بودند، به سختى آزموديم
تا خدا آنها را كه راست گفتند معلوم دارد و دروغگويان را نيز معلوم دارد.

پرسش ۱۰:



« والدین فتنه » کدامند؟

حضرت أميرالمؤمنين صلوات الله عليه در ابتدای خطبه ۵۰ می فرمایند:

إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعِ الْفِتَنِ

۱- أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ. ۲- وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ.

« فتنه‌ها » از ترکیبِ « نَفْسَانِیت با بدعت در احکام » پدید می‌آیند.

یعنی: « خودپرستانِ رفاه‌طب و قدرت‌طلب » با « بدعت در احکام »

و « رفتارهای خودخواهانه و باطلشان »، عامل پیدایش « فتنه » هستند.

... فَهَذَاكَ

يَسْتَوِي الشَّيْطَانُ عَلَى أُولِيَّائِهِ

در اینجاست که شیطان بر دوستانِ خود مسلط می‌شود.

یعنی⁴⁷ ابزار شیطان، «التقاطِ حق با باطل» است ... (خطبه/۵۰)

یک عاملِ «مفتون»
و خروج از شبکه ولایت:

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند:

فَإِنْ رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ **غَفِيرَةً** فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ

فَلَا تَكُونَنَّ لَهُ **فِتْنَةً** ... (خطبه ۷۲)

پس اگر یکی از شما اهل و مال و عمر برادر دینیش را اضافه تر از خود دید

نباید^{۴۹} بر او «حسد» ورزد و موجب شر و فساد و «فتنه» خود او شود.

(۲) اللَّهُمَّ ؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

وَلَا تَفْتِنِي بِمَا أُعْطَيْتَهُمْ

وَلَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي

فَأَخْسُدَ خَلْقَكَ وَ أَغْمَطَ حُكْمَكَ. (صحیفه/دعای/۳۵)

خدایا؛ مرا با آنچه به دیگران دادی و آنها را با آنچه از من منع کردی، مفتون مساز
زیرا در نتیجه « من به خلق تو حسد برم » و « حکیمانه بودن حکمت را انکار کنم. »

« افرادِ بی‌ایمان »، در « فتنه‌ها »،

به « ولیّ منصوب »، « تردید »،

و « عقب‌گرد و سقوط » می‌کنند:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ
فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ
وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ

خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (حج/۱۱)

و برخی از مردم، خدا را فقط با «حرف» (و بدون باور قلبی و عمل) می پرستند،
پس اگر خیری به او برسد با آن اطمینان یابد اما اگر در «فتنه» قرار گیرد روی برمی تابد،
او، در دنیا و آخرت زیانکار است و این همان زیانکاری آشکار است.

از برکاتِ مهم « نبوّت »؟

« فتنه » قلب را « غرق » می کند

اما « نبوّت » قلب را رها می کند:

أمیر المؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند: از « بَرَکاتِ نبوت » این بود که:

.... وَ هُدِيتُ بِهِ الْقُلُوبُ

بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ وَالْآثَامِ

... (خطبه ۷۲)

و قلبهائی که در فتنه‌ها و گناهان غرق بودند با او راه یافتند.

پریشی ۱۱:



مهمترین « لازمہ » خلافت چیست؟

خداوند،

« علمِ تمامِ **أَسْمَاء** » را « **فَقَط** » به انسان آموخت:

وَعَلَّمَ **آدَمَ** **الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا**

..... (بقره/۳۱)

و « تمامِ **أَسْمَاء** » را به آدم آموخت،

سپس به ملائکه فرمود:

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ:

أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(بقره/۳۱)

و همه نامها را به آدم آموخت، پس آنها را بر ملائکه عرضه کرد و فرمود:

اگر راست می‌گویید مرا از «أَسْمَاءِ أَنْان» خبر دهید.

از این « گفتگو » معلوم می شود که:

« حمد و تسبیح و تقدیس الهی »،

بدونِ « اِتِّصال به نبوّت »،

برای « خلافت و ولایت » کافی نیست.

پرسش ۱۲:



نشانه‌های «انسانیت» کدامند؟

« انسانیّت » ثمرهٔ « **نبوّت** »،

و عاملِ « **محَبّت** و **خیر** خواهی »،

و « **امید** دادن » به « **همه** »،

و « **رحمت** **للعالمین** بودن » است.

انسانِ به « **انسانیت** » رسیده، « **جامِ** تمام **فضائل** » است:

ای « نسخه اسرار الهی » که تـو یی

و ای « آینه جمال شاهی » که تـو یی

بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست

از « خود بطلب » آنچه خواهی که تویی

این « انسانِ **کامل** » است که:

لایقِ « **ولایتِ الهی** » است،

و « **روشن کنندهٔ راهِ زندگی** »

برای دیگران در تمام ابعاد آنست.

دی شیخ با چراغ پس کشت کرد

کرد و دید ملولم و اینم آرم است

گفتند ای من شود چو تیر ایم ما

گفت آنچه یافت من شود انم آرم است

انسانیت

بالا ترین هنر

زیبا ترین صفت

و عالی ترین عبادت است

افرادِ « منقطع » از « **نبوّت** »،

در هر « **مَنْصَب** » و موقعیتی « قرار بگیرند،

حتماً با عملِ « **ظالمانه** و **جاهلانۀ** » خود،

عاملِ « **فساد** و **سفک** دماء » می‌شوند.



در محضر سورۂ سبا:



خدایا؛

درکِ « **مقام نبوت** » را بما عنایت کن

و ما را از « **ظالم و جاهل** » بودن،

و از « **فساد و سفک** دماء » حفظ فرما

⁷¹ و به بالاترین درجۀ « **ایمان و انسانیت** » برسان.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

